



فصلنامه علمی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۶۷-۳۹

بررسی مفهوم وحی و شهادت در شعر و کلام نوروز سورانی (متون مقدس گوران) بر اساس روش پدیدارشناسی هرمنوتیک پُل ریکور^۱

سعید ولدییگی^۲

محمد کاظم یوسف پور^۳

علیرضا نیکویی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴

چکیده

پدیدارشناسی هرمنوتیک با ورود به حوزه مطالعات دینی، اقتدار متون مقدس را به عنوان یک راهنمای هنجاری با الگوهای مشخص و تعریف شده در پراکنش قرار می دهد. این تعلیق، عرصه ارجاع شاعرانه غیرتوصیفی را به جهان می گشاید. رویدادهای بازگوشده در کتاب مقدس به عنوان رویدادهای تاریخی، اکنون از وجود متنی برخوردارند که از منشأ پیشین خود فاصله گرفته اند و معانی کنونی شان محصول ثبت آنها در شبکه ای از متون است که به طور متناوب، یکدیگر را در یک کل بینامتنی حمایت و جابه جا می کنند؛ براین اساس کتاب

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jml.2023.43660.2465

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20089384.1402.15.33.2.4

۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول). saeidvaladbeygi1350@gmail.com

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. yusofpur@yahoo.com

۴. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. alireza_nikouei@yahoo.com

مقدس، پیش از هر چیز گفتمانی است که نظریه کلی متن آن را به عنوان حلقه‌ای در یک زنجیره ارتباطی می‌فهمد. پُل ریکور در تدوین قوس هرمنوتیکی خود با تأکید بر مرحله تبیین انتقادی (نقد ادبی) گذار از اولین تفسیر سطحی و متعصبانه را به خوانشی عمیق ممکن می‌سازد که در برابر **رویارویی با عینیت** ایستاده است. در این مقاله با توجه به دیدگاه‌های ریکور به بررسی مفاهیم «وحی و شهادت (گواهی)» در متون مقدس گوران می‌پردازیم و سپس با تحلیل شعر و کلام مقدس «نوروز سورانی» در این زمینه، سعی در نشان دادن الگوی عینی این مفاهیم در متون مقدس گوران (یارسان/ اهل حق) داریم. این تعلیق سبب می‌شود تا وحی با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد گفتمان‌ها و در عین حال از طریق روابط متقابل آنها درک شود. پدیدارشناسی هرمنوتیک پُل ریکور با تأکید بر مرحله تبیین انتقادی موجب می‌شود تا کتاب مقدس از تفسیرهای ذهنی ساز و وابسته به فرهنگ و نیز از تفسیرهای بنیادگرایانه رها شود و کماکان در جهان مُدرن امروز مورد استناد و استفاده قرار بگیرد.

واژه‌های کلیدی: پدیدارشناسی هرمنوتیک، متون مقدس گوران، نوروز سورانی، پُل ریکور، شهادت، وحی

۱. مقدمه

تمرکز بر قدرت و حیانی گفتمان کتاب مقدس و مقوله هرمنوتیکی جهان متن، نقطه عطف مهمی در رابطه بین فلسفه و هرمنوتیک کتاب مقدس است. «شیوه هد فمندی متون» با آنچه نویسنده قصد داشته است^۱ یکسان نیست (Ricoeur, 1991: p.18). به عبارت دیگر فاصله‌گذاری، یکی از ابعاد کلیدی در هرمنوتیک است. هر چند پیام کتاب مقدس از موقعیت اولیه و اولین گیرنده آن فاصله می‌گیرد اما تفسیر کتاب مقدس به دلیل اولین لایه تفسیری، امکان‌پذیر است.

پُل ریکور بر انواع محتوایی (حکایات، مثل‌ها، حماسه و ...) که ممکن است و حیانی نامیده شود، تأکید می‌کند زیرا محصولات ادبی در متن مقدس را حاصل تفاسیر مختلف از سنت در شهادت (گواهی دادن)^۱ می‌داند. بین شکل گفتار و شیوه خاصی از اظهار ایمان

1. Testimony

(وحی) رابطه‌ای اساسی وجود دارد که احتمالاً تنش، تقابل و فضای تفسیر را در بعد کلامی ایجاد می‌کند. از نظر ریکور عاملی که به شکل گرفتن قانون (متن مقدس) کمک می‌کند، وجود یک بینامتنیت درونی است، یعنی اشباع درونی فضای معنا که توسط ژانرهای گفتمانی ارائه شده در کتاب مقدس ایجاد شده است. (Ricoeur, 1993: pp.41-2).

متون مقدس (دفتر) گوران [کرمانشاه] در مقام خود به عنوان یک راهنمای هنجاری و قانون برای جامعه ایمانی اهل حق (یارسان) دارای اعتباری پایدار هستند. تأکید بر **ادورای بودن این آیین (هشت دوره)** دو مسئله مهم «دینی - حکمی» را در دفاتر مقدس اهل حق شکل بخشیده است. ابتدا: زمان (دون Dūn) که «لحظه» آشکارگی و تجلی خداوند در هستی با آفرینش الهی است و دوم: تجسم این زمان (شون šūn) به عنوان «ردپایی» از مطلق در لحظه‌ای تاریخی است. در کلام و دفتر «نوروز سورانی» موضوع «شهادت» با بیان روایت‌ها در محدوده زمانی (دون) استقرار (شون) خود در چارچوب کتاب مقدس از طریق ایجاد گفتمان‌های مختلف صورت می‌گیرد و به عنوان یک سنت مذهبی که ریشه در ادوار پیشین خود دارد قادر می‌شود تا خود را از طریق نوعی دایره هرمنوتیکی شناسایی کند و مشروعیت بخشد.

این مقاله با استفاده از روش شناسی پُل ریکور، دیدگاه‌های ادبی و ابزارهایی برای تفسیر کتاب مقدس را با استناد به جریان کلی متن، هدف قرار می‌دهد تا پاسخ‌گوی این سؤالات باشد: ماهیت فرایندی که متنی را تولید می‌کند که مدعی است شاهد و حیانی حقیقت است، چگونه است؟ منظور از مفهوم شهادت (گواهی) در متون مقدس گوران چیست؟ و آیا گفتمان‌های متعددی که ریکور در متون مقدس (عهد قدیم و جدید) شناسایی می‌کند و مفهوم وحی را در آن گسترش می‌دهد در متون مقدس گوران، قابل تعمیم است؟

۲. پیشینه پژوهش

پیش از این پژوهش، محققان داخلی و خارجی، تحقیقاتی را درباره آیین اهل حق (یارسان) ارائه کرده‌اند که اغلب به شرح عقاید دینی و آداب و رسوم اهل حق و همچنین معرفی بزرگان و در بعضی موارد، سروده‌های دینی این آیین اشاره شده است که از آن میان می‌توان به کلام چهل‌تنان (م. اورنگ - آ. خادمی، ۱۳۵۷)، «بزرگان یارستان»

(صفی زاده، ۱۳۴۳)؛ «سرودهای دینی یارستان» (م.سوری، ۱۳۴۴)؛ «برهان الحق» (الهی، ۱۳۵۴)؛ «هستی‌شناسی عرفانی اهل حق» (عسکرآبادی، ۱۴۰۰) «آشنایی با عقاید و آداب و رسوم دینی اهل حق در استان کرمانشاه» (آزادی، ۱۳۷۷)؛ «بررسی تاریخ و تحولات آرا (اهل حق) و ارتباط آنان با ادیان پیش از اسلام» (مرادی، ۱۳۷۶) همچنین مقالات: «کتاب‌شناسی فرقه اهل حق» (امیری و آذر، ۱۳۹۵) «اهل حق (یارسان) مطالعه مردم‌شناسانه گروهی از شیعیان عالی استان کرمانشاه» (امام‌جمعه‌زاده و ویسی، ۱۳۹۴) «نمادشناسی فرقه اهل حق با تأکید بر سروده‌های نامه سرانجام» (اوحدی حائری و جودکی، ۱۳۹۴).

در میان آثار خارجی می‌توان کتاب «موسیقی و عرفان سنت اهل حق» (دورینگ، ۱۳۷۸)؛ «یادداشت‌های فرقه اهل حق» (مینوروسکی، ۱۹۲۱)؛ «اهل حق کردستان» (ایوانف، ۱۴۰۰) و ... را نام برد که در هیچ‌یک از این آثار به مسئله از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک با تأکید بر متن پرداخته نشده است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. پدیدارشناسی هرمنوتیک

پدیدارشناسی هرمنوتیک، علم تفسیر متون است که به موجب آن، زبان، در شکل نوشتاری یا گفتاری خود، برای آشکار کردن معنا در پدیده‌ها، بررسی می‌گردد. پدیدارشناسی هرمنوتیک را می‌توان رویکردی پژوهشی تعریف کرد که به دنبال توصیف ماهوی پدیده‌ها است و این فرایند با کاوش در متن، از دیدگاه کسانی صورت می‌گیرد که آن را تجربه کرده‌اند. هدف پدیدارشناسی، توصیف معنای این تجربه است. «پدیدارشناسی می‌خواهد تحلیلی توصیفی از جهان عینی آن‌سان که بر سوژه ظاهر می‌شود به دست دهد و به جای بررسی پرسش‌های متافیزیکی، «پدیدار» را در معنای یونانی آن، یعنی ظاهر چیزها، توصیف می‌کند. در این فلسفه، مفهوم محوری این است که **بر جهان چیزهای نمایان، آگاهی حاکم است** و به آن نظم و معنا می‌بخشد.» (مکاریک، ۱۳۸۸: ۳۵۰). گذر از پدیدارشناسی به پدیدارشناسی هرمنوتیک، طی کردن مسیری بود که تحول و تاریخ، آن را مشخصاً در آثار کسانی چون هایدگر، گادامر، ریکور و ... رقم زد.

پل ریکور (۱۹۱۳-۲۰۰۵) از چهره‌های برجسته در زمینه مطالعات پدیدارشناسی

هرمنوتیک است و تحقیقات او در این زمینه تأثیرات بسیاری در مطالعات و نظرات ادبی و فلسفی و پیشبرد آن داشته است. ریکور معتقد است: «فلسفه باید بتواند پرسش‌های خاص خود را در شاخه‌های ادبیات پیدا کند و تقابل‌ها را بپذیرد» (ریکور، ۱۳۹۸: ۱۱). هرمنوتیک ریکور بر ساخت هستی‌شناسی جدیدی تأکید می‌کند که باید با درک «خود» از طریق مسیر طولانی معناشناسی سروکار داشته باشد «ریکور پدیدارشناسی هرمنوتیک را با مطالعه و بررسی نمادها به منظور یافتن روشی فلسفی برای رویکردی به گفتمان دینی توسعه می‌دهد» (BoBB, 2011: p.299).

۲-۳. ماهیت خاص کتاب مقدس: نام‌گذاری خدا

«یکی از خصلت‌هایی که ویژگی‌های گفتمان کتاب مقدس را می‌سازد ... مکان مرکزی ارجاع خدا در آن است» (Ricoeur, 1974: p.45). خداوند در متن مقدس به شیوه‌ای اصیل در گفتمان‌های متعددی نام برده می‌شود. «گاهی به عنوان قهرمان وقایع نامۀ نجات، گاهی به عنوان قهرمان خشم یا شفقت و به عنوان کسی که خود را به صورت «من-تو» مورد خطاب قرار می‌دهد» (Ricoeur, 1991: p.94). به دلیل پیوند قوی میان گونه ادبی و پیام اعتراف، نام خدا متنوع است اما خداوند نقطه تلاقی همه این گفتمان‌های مختلف است. توجه به تنوع گفتمان در کتاب مقدس این مزیت را دارد که پیچیدگی ایمان کتاب مقدس را نشان می‌دهد. «کتاب مقدس به جای یک کتاب ثابت که توسط یک گفتمان خاص یا دیدگاهی واحد متحد شده باشد، به عنوان یک متن نامتقارن از ژانرهای متضاد پدیدار می‌شود -ژانرهایی که به‌طور متناوب در تضاد با یکدیگر -مکمل هم هستند» (Wallas, 2003: p.17). از این نظر، نام خدا در عین حال هم آن چیزی است که گفتمان کتاب مقدس را با همه تنوع آن در کنار هم نگه می‌دارد و هم نقطه انحطاط آن است. از نظر الهیاتی، این بدان معنی است که خدایی که در کتاب مقدس نام برده شده است، هر گفتمان بسته را می‌گشاید. ریکور سؤالات جدی در مورد مناسب بودن یک الهیات نظام‌مند دارد که به دنبال درک خدا در هستی است.

۳-۳. رابطه وحی با اشکال گوناگون گفتمان

ریکور پیش از هر چیز تلاش می‌کند تا رابطه بین وحی و اشکال مختلف گفتمان را بررسی

کند. از نظر رابطه صورت‌ها و وحی، فضای تفسیر به‌طور ارگانیک با وحی همراه است. به نظر ریکور در گفتمان نبوی و گفتمان روایی، کلام خداوند از زبان پیامبر و حضور او در هستی برجسته می‌شود اما در سایر گفتمان‌های متن مقدس (حکمت، تجویزی، سرود، ...) او می‌تواند ابتدا «از طریق جمع‌آوری افسانه‌ها، حماسه‌های منزوی و تنظیم مجدد آنها در توالی‌های معنادار به‌گونه‌ای که یک روایت واحد ایجاد کند، انجام شود؛ با محوریت یک رویداد هسته‌ای که در آن واحد دارای اهمیت تاریخی و بعد کریگماتیک است» (Ricoeur, 1991: p.91).

روایت، شکلی از گفتمان است که به‌واسطه اتکایش به طرح، از لحاظ معنای انسانی، از هر گفتمانی غنی‌تر است. به گفته ریکور: «اگر معنای روایت را کشف کنید، حقیقت ابدی روح انسان را کشف کرده‌اید» (سیمز، ۱۴۰۰: ۱۰۹). «در گفتمان روایی، تأکید بر رویداد یا رویدادهای پایه‌گذار به‌عنوان نقش، نشانه یا اثری از فعل خداوند، ضروری است» (Ricoeur, 1981: p.79). اما در سایر گفتمان‌ها نقش انسان به‌عنوان مجری امر، ضروری است. درحقیقت، این گفتمان‌های دیگر است که سبب ادامه جامعه ایمانی می‌گردد و محدود کردن وحی به یک گفتمان مشخص، چشم‌پوشی بر سایر گفتمان‌هایی است که در متن مقدس وجود دارد. به نظر می‌رسد که کلام روایات از خداوند در توافق با تجربه تاریخی ناشی از وقایع بنیان‌گذاری که در روایت نقل شده صحبت می‌کند. یعنی «اعتراف به ایمان بیان‌شده در اسناد کتاب مقدس مستقیماً توسط اشکال گفتمانی که در آن بیان شده است تعدیل می‌شود» (ibid: p.91). اعضای یک جامعه ایمانی ممکن است ابتدا تجربه خود را با استفاده از وقایع پایه‌گذاری که در قالب روایت بیان می‌شود تفسیر کنند.^۱ به‌همین ترتیب، اشکال دیگر گفتمان نیز با شیوه اظهار ایمان (وحی) قرابت دارند.

اگرچه اشکال گفتمان در اصل با وحی و اظهار ایمان مرتبط است اما روابط متقابل آنها باعث ایجاد تنش و تضاد می‌شود. برای مثال، در گفتمان نبوی و گفتمان روایی، گفتار نبوی از یک سو مستقیماً وحی را به نام خداوند می‌رساند و به تهدید حادثه مرگبار آخرالزمان اشاره می‌کند و از سوی دیگر، گفتمان روایی به‌عنوان نوعی وقایع‌نگاری، از قابل‌اعتماد بودن وقایع پایه‌گذاری تاریخ یک قوم سخن می‌گوید. به سخن دیگر، به نظر می‌رسد که

دو شکل مختلف گفتمان، دو ویژگی متضاد امر الهی را بیان می‌کنند. علاوه بر این، موارد دیگری نیز وجود دارد. بین گفتار تجویزی و گفتار حکمت، بین سرود و ضرب‌المثل، اگر قرار باشد وحی تنها با گفتمان نبوی یکی شود، دیگر اشکال گفتمان کتاب مقدس که نقش گوینده را مضاعف نمی‌کند، ممکن است قطع شود. بنابراین، وحی ممکن است مفهوم الهام از وساطت روح القدس را در اشکال دیگر و در نتیجه غنی‌سازی آنها از دست بدهد. در درازمدت، وحی به روش‌های مختلفی منتقل می‌شود. خداوند در هر گفتمان به گونه‌ای متفاوت صحبت می‌کند و خود را آشکار می‌کند. از این رو، قابل قبول است که وحی را نه مفهومی یکپارچه بلکه مفهومی چندمعنایی و چندصدایی (گفتمان‌های مختلف) بدانیم. «کار تکمیل شده‌ای که ما کتاب مقدس می‌نامیم فضای محدودی برای تفسیر است که در آن، معانی الهیاتی با اشکال گفتمان همبستگی دارند» (Ricoeur, 1991: p.93). بنابراین، درک کتاب مقدس بدون عمل تفسیر در رابطه با تبیین ساختاری اشکال مختلف گفتمان، ممکن نیست.

ریکور چندین داده را از تجزیه و تحلیل «نورتروپ فرای» در کتاب رمز کل، دریافت می‌کند. به گفته فرای، متن کتاب مقدس، وحدت خود را در امتداد شبکه‌ای از تصاویر و استعاره‌ها می‌سازد. معنای تحت‌اللفظی کتاب مقدس، تنها به خود به عنوان «استعاره‌ای منحصر به فرد، قدرتمند و پررمزوراز» اشاره می‌کند (فرای، ۱۳۸۸: ۵۱). شواهد اظهارات کتاب مقدس فقط از طریق رابطه بین عهد عتیق و جدید پشتیبانی می‌شود. «دو وصیت‌نامه (عهد قدیم و جدید) یک آینه دوگانه را تشکیل می‌دهند که هریک آینه دیگری را منعکس می‌کند اما هیچ‌یک جهان بیرون را منعکس نمی‌کند» (همان: ۱۲۱). خداوند به عنوان شرط لازم همه امکانات بیان لفظی، ظاهر می‌شود اما صدای او باعث می‌شود که خواننده یک مقام خارجی را حس کند. در واقع، اقتدار یک مرجع، صرفاً متنی است که از خود متن سرچشمه می‌گیرد و نه از بیرون آن. وقایعی که کتاب مقدس توصیف می‌کند «رویدادهای زبانی» هستند (همان: ۹۶). حجیت رمز بزرگ (کل) به حضور الهی در خارج از متن بستگی ندارد بلکه به این بستگی دارد که متن خود را به صورت استعاری با این حضور می‌شناسد (همان: ۱۱۷). به عبارت دیگر، متن کتاب مقدس، جهانی را طرح می‌کند و با آن هم‌ذات‌پنداری می‌کند (این یک فراقنی درونی از

جهان است). این تنها در صورتی اتفاق می‌افتد که خواننده به دعوت «هم‌ذات‌پنداری خود با کتاب» پاسخ دهد. به گفته ریکور، خودسازی و خودکفایی کتاب مقدس که فرای در مورد آن صحبت می‌کند، تنها از طریق تأثیر خواندن محقق می‌شود، یعنی برانگیختن «میل خواننده به درک خود در پرتو متن مقدس»، پشتیبانی می‌شود (Ricoeur, 1993: p.47).

۳-۴. تفسیر و تفسیر مجدد

به گفته ریکور، کلمه بیان‌شده در کتاب مقدس به متن مقدس پیشین مرتبط است و معانی از قبل در آن ثابت‌شده را دوباره تفسیر می‌کند. برای مثال، خود عیسی مسیح تورات را تفسیر می‌کند، «سنت پولس» و نویسندگان رسائل به یهودیان واقعه مسیحی را در پرتو پیشگویی‌ها و نهادهای اتحاد قدیمی تفسیر می‌کنند. تمام «عناوینی» که مفسران آن را مسیحی می‌دانند، از تفسیر مجدد چهره‌هایی می‌آیند که توسط فرهنگ نوشتاری عبری و یونانی منتقل شده‌اند: پادشاه، مسیح، کشیش بزرگ، خدمتکار رنج‌دیده و ... به این ترتیب مسیحیت از همان ابتدا یک تفسیر است و بازخوانی نوشته قبلی در پرتو کریگما (خطاب آغازین) است. معنای معنوی نامه قدیم، خود عهد جدید است. بنابراین ریکور نشان می‌دهد که رویداد مسیحی به عنوان چیزی غیر عقلانی به نظر نمی‌رسد بلکه به عنوان تحقق معنای قبلی که در حالت تعلیق باقی مانده بود، ظاهر می‌شود. با توجه به اینکه بازتفسیر نوشته‌ای قدیمی است، کریگما وارد شبکه‌ای از درک می‌شود (Ricoeur, 1969: pp.375).

اگر وضعیت هرمنوتیکی خوانندگان امروز کتاب مقدس را مطالعه کنیم این واقعیت که تفسیر کتاب مقدس یک تفسیر مجدد است، آشکار می‌شود. به دلیل نوشته (متن مقدس)، ریکور ثابت می‌کند که پیام کتاب مقدس از موقعیت اولیه و اولین گیرنده آن فاصله می‌گیرد اما تفسیر متن کتاب مقدس دقیقاً به دلیل اولین لایه تفسیری، امکان‌پذیر است؛ لایه‌ای که در اجتماع کسانی که شاهد کریگما بودند یعنی حضور مسیح را درک کردند. «ما، خوانندگان امروزی، به عنوان شنوندگان برخی شاهدان، تعبیر می‌کنیم»^۱ (Ricoeur, 2013: p.378). بنابراین، ریکور استدلال می‌کند، مسیحیت یک هرمنوتیک

است زیرا ایمان باید همیشه در متن و در اعتراف به ایمان جامعه اصلی رمزگشایی شود. ریکور ایده بولتمن را پذیرفته است که طبق آن فهم نباید به زندگی نویسنده بلکه باید به «ماهیت معنایی بیان شده در متن» اشاره داشته باشد، چیزی که نیاز به تمرین تفسیری دارد. بنابراین ما باید با یک دایره هرمنوتیکی سروکار داشته باشیم تا وضعیتی را که بولتمن توضیح می‌دهد نیز بیان کند: «برای درک متن، باید به چیزی که متن به من اعلام می‌کند ایمان داشته باشم. اما آنچه متن به من اعلام می‌کند در جای دیگری جز متن، آورده نشده است. به همین دلیل است که باید متن را بفهمم تا باور کنم» (Ricoeur, 1965: p.505).

۴. بحث و بررسی

۴-۱. پدیدارشناسی هرمنوتیک و روش‌شناسی آن در تفسیر متون مقدس

اهل حق

متون مقدس گوران، مجموعه‌ای از «دفتر»های شعر و «کلام» شاعرانی است که به صورت نسخه خطی در گوران کرمانشاه (۱۳ ه.ق.) به گویش گردی گورانی به جا مانده است. سرایندهگان این دفاتر با عنوان «چهل تن حیدری» شناخته می‌شوند که در محضر «سیدحیدر» ملقب به «سیدبراکه» (۱۲۸۰-۱۲۱۰ ه.ق.) حضور داشته‌اند (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۹۸-۲۰۲). آنچه سبب می‌شود از این متون با عنوان متون مقدس یاد کنیم به سبب اعتباری مبتنی بر الوهیت است. این متون، در مقام خود به عنوان یک راهنمای هنجاری و قانون برای جامعه‌ای ایمانی (اهل حق / یارسان) دارای اعتباری پایدار هستند و همچون سایر متون مقدس، از تفسیر یک رویداد کلمه‌ای و جهان پیشنهاد شده توسط آن، به نام پادشاهی خدا، که به کتاب مقدس تبدیل شده، برخوردارند:

جان و ست نه وجود زنده بی تو جا او بسی نه زبان جاری کرد خدا

روح را در (جسم) قرار داد و بدان وجود بخشید. [انسان] به زبان آمد و او بود [که برای

اولین بار] نام خدا را بر زبان جاری کرد (سُرخاب، نسخه خطی: ۲).

تنوری دارم نعمت می‌پزد سفره چهار گوشه ام گز اندر گز است

صاحب سفره گاو و ماهی است «تاریخ یاری» پادشاهی است

(سورانی، ۱۳۸۶: ۱۲۱)

يارسان دىنى خداپرست و عرفانى است كه در دسته دىن‌هاى اشراقى (گاهانىگ) و نه شرىعى (داتىگ) جاى مى‌گىرد» (منظمى، ۱۴۰۰: ۱۵۱)

گفتمان دىنى اهل حق، حداقل همان‌طور كه در سنت مجموعه كتب مقدس گوران يافت مى‌شود، اشكال مختلفى دارد: سرودها، قوانين، روايات، تمثيل‌ها، نبوت و سخنان حكمت‌آمىز. وجه مشترك آنها كه به‌عنوان گفتمان دىنى معرفى‌شان مى‌كند اين است كه همه آنها **اشكال گفتمان شعىرى** هستند و همه به شىوه خود، خدا را «نام‌گذارى» مى‌كنند:

مىلان كرم «نامت» نه كارن شرت وىردن وقت اقرارن

«لطف و بخشش نام تو همه‌جا در كار است. از شرط و پىمانى [كه با تو در روز الست بستىم مدت‌ها] گذشته است، [اكنون] زمان اقرار [به اين حقيقت] است (همان: ۷۵).

روايت‌ها در محدوده زمانى استقرار خود در چارچوب كتاب مقدس، اين كار را از طريق ايجاد گفتمان‌هاى مختلف انجام مى‌دهند كه سنت‌هاى مذهبى را كه از اين متون استفاده مى‌كنند قادر مى‌سازند تا خود را از طريق نوعى دايره هرمنوتىكى شناسايى كنند و مشروعيت بخشند. يعنى اين متون براى رواياتى كه از طريق قرائت و تفسير آنها از اين متون، مشروعيت بخشيدن به سنت مبتنى بر اين متون را ضرورى مى‌دانند، مقدس هستند:

هر كس منوشو بوانو درسىم معلوم بو ليمان سنت فرضىم...

هر كس كه كلام مرا [به جان] بنوشد (بشود) و درسم را بخواند [آن گاه است كه] اين سنت فرض (حقيقت) بر ما مشخص و معلوم مى‌گردد (سورانى، ۱۳۸۶: ۱۷۲).

اصطلاح «دفتر» در گوران در مورد متون مقدس به كار مى‌رود و «كلام»ها محتواى دىنى دفاتر را تشكيل مى‌دهند. هر كلامى از مجموعه «بند»هاى تشكيل مى‌شود. اصطلاح كلام تنها براى متن مقدس به كار مى‌رود و تفاوت اين نوشتار را با ساير انواع ادبى در گوران مشخص مى‌كند. در اينجا زبان شعىرى ادبيات مقدس (كلام) معناى خاصى دارد و به‌نوعى از دانش دلالت دارد، به اين معنا كه اين جهان (اهل حق) در خواندن فعال مى‌شود و فرايند فهم و تبين از طريق آن حاصل مى‌گردد.

«هر كس خريدار بار خانه منن امرائى على العزم گنج هفت تنن
آنه صرافن بفروش پرىشان تا بسو شهادت پى نام و نىشان»

«هر کسی که خریدار بارخانه گران بهای من است و تحت فرمان و کلام هفت تن می باشد، او صراف حقیقت است [از این کلام الهی] بر او بفروش و عرضه کن تا که [با خواندن او] شهادتی برای نام و نشان ما باشد» (سورانی، ۱۳۸۶: ۹۷).

با توجه به اهمیت این موضوع باید اذعان داشت که در مرکز تفکر دینی بوم شناختی اهل حق، رابطه انسان با جهان پیرامون و چگونگی تفسیر و درک این رابطه قرار دارد. این امر به ویژگی پدیدارشناختی هرمنوتیکی چنین تفکری اشاره می کند؛ به این معنا که فهمیدن به معنای تفسیر است و علاوه بر این، این درک اساساً زبانی است:

زبان بی و سِرِّ گفتار و منشور ذیل دانه ی زلال قامت چون بلور...

زبانم گویای اسرار و گفتارم منشوری [برای بیان حقیقت] شد. [و به واسطه این فیض الهی] قلبم چون الماسی درخشان و قامتم چون بلور شیشه ای صاف و زیبا شد (سورانی، ۱۳۸۶: ۷۱).

سرودها و بندهای متون مقدس گوران، قالب و خصلت شاعرانه دارند. این زبان شعری سبب شده است تا حقیقت را در نظر و قدرت ارجاع آن برای بیان هستی شناسی های بدیع به کار گیرند؛ به این معنی که جهانی را ترسیم می کند که بیان کننده حقیقت است. جهانی که اکنون تحت نظارت امر خیالی و ممکن، بازسازی شده است. تخیلی خوانا با قاعده های خاص خود، تخیلی به قاعده درآمده اما درعین حال تخیلی آفریننده و سازنده قواعد:

گوهر مکالم نه یته بیار گوهر مکالم

گاوم گردونن حیثم خیالم توئم جواهر بذرِم حوالم...
«گوهر [سخن و کلام] را [در زمین وجود] می کارم و از بوته ای ثمربخش این گوهر، سخن را می کارم. [و برای این کار] آسمان گاو من است و خیالم خیش [سخنم زدن زمین وجود] دانه [کشت] من جواهر [سخنم] است و بذر و ثمر آن احوالم ...» (سورانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

در اینجا تخیل به صورت متعالی عمل می کند تا جهانی را به ما بدهد که در آن، تحقق خاصی از وجود ما امکان پذیر است. به گفته ریکور «خیالی که با ساختن طرح ها و استعاره ها، به تجربه انسانی شکل می دهد» (ریکور، ۱۳۹۶: ۵۳).

رسالت و کلام نوروز سورانی در ابتدای دفترش با بیانی «انتقادی» آغاز می شود. او در

اولین بند از سروده‌هایش خطاب به شکاکان، بدگویان، مغلظه‌گویان مغرور، دوستان بدکار و استادان نیکی که در برابر حقیقت، خود را به خواب غفلت زده‌اند، بانگ برمی‌دارد و با بیان اینکه با حکمی الهی به او دستور داده شده تا «بخواند» که دور دور «یار» است و برای خلاف‌گویان در برابر حقیقت، زمانی نمانده است (همان: ۱۰). به ترسیم جهان‌شناسی اهل حق در مجموعه‌ای از ترجیع‌بندها می‌پردازد. در اینجا مسئله تأویل متن با دو امر «در زمان» و «هم‌زمان» (کربن، ۱۳۷۳: ۸۰-۷۹) پیوند می‌خورد. دفتر نوروز، شرح مرحله‌به‌مرحله منزلگاه‌های این سفر معنوی (در زمان) است که اکنون در کلیتش (هم‌زمان) با تمام موجودیت آن و تمام فراز و فرودهایی که متن بدان اشاره می‌کند؛ مقدس دانسته می‌شود. تعهد و اصراری که سیدبراکه و دراویشش (چهل‌تن) در ثبت دفاتر دارند حاصل همین نگرش انتقادی است. نوروز سورانی در کلام خود همواره به تازه شدن سندی کهن تأکید می‌کند که تاریخی تازه را در آرزوی مردم، زنده و شکوفا می‌کند. به نظر می‌رسد دیالکتیکی که در طول نسل‌ها به پایان رسیده است، در حالت گذشته‌نگر با روایت «چهل‌تن حیدری» از «تاریخ-سنت» جانی تازه می‌یابد:

قباله ی قدیم تازه بی ژنو
بُروز گرد نه خاک قاپی دآهو

«قباله و سندی قدیمی دوباره تازه شد و در خاک و سرزمین مقدس دالاهو آشکار و ظاهر گشت (سورانی، ۱۳۸۶: ۶۴).

۴-۲. گواهی (شهادت) در وجود

مسئله وحی در پدیدارشناسی هرمنوتیک، موضوع بسیار مهمی است و نیاز به چنین دیدگاهی را در دنیای مدرن نشان می‌دهد که به گفته ریکور به قضاوت در مورد ویژگی‌های عینی منجر می‌شود (Ricoeur, 1976: pp.8ff.). در متون مقدس گوران می‌توانیم شاهد نظریه تفسیری «ارجاع به خود» باشیم و همان‌طور که ریکور می‌گوید ادعاهایی که برای بازنمایی یک «من» یا «ما» درگیر در یک «رویداد گفتمان»^۱ گذشته‌ای معین شکل می‌گیرد:

«من» بیم سازنام و نظم ساختن چونکه استاد بیم هیچم نباختن

«من بودم که ساختم و با نظم آفریدم و از آنجا که استاد ماهر بودم [در این ساختن] اشتباهی نکردم و موفق بودم» (سورانی، ۱۳۸۶: ۱۸۹).

تمام گفتمان‌های شکل گرفته در متون مقدس گوران به عنوان رویداد، بیان و به عنوان معنا درک می‌شود:

معنا شِکاوِی وَ نَهانی مَن نو پَرده اسرار وَ پنهانی مَن
«در نهان و درون من کشف و آشکار کردن معنا از پرده اسرار و پنهان الهی است»
(سورانی، ۱۳۸۶: ۱۶۹).

طبق گفته ریکور در لحظه آغازین و خطاب اولیه در خلقت، دیالکتیکی بین رویداد و معنا وجود دارد. آن تجربه شهودی که تجربه و زندگی شده است، خصوصی می‌ماند اما آن حس معنوی بیان شده، عمومی می‌شود. پس ادعای «شهادت» بودن گفتمان کتاب مقدس، گفتمانی است که در آن، در لحظه‌ای از وحدت کامل بین رویداد و معنا، یک فرد یا جامعه «تلاش برای وجود و میل به بودن» خود را تا حد سلب مالکیت کامل یا سلب مالکیت کامل از ادعاهای «خود» تفسیر کرده است. بنا بر گفتار نوروز سورانی:

آنه شهادتن هر کس بزانوُ سرمشق یاری معجز موانو
«اگر کسی بداند شهادت [واقعی] آن است که سرمشق و الگوی [آیین] یاری (کلام حقیقت) را معجزه الهی می‌خواند (سورانی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

هر تلاشی از «خود» برای اینکه به خودی خود منبعی برای معنا باشد، قبل از این سؤال پیش آمده است که خدا کیست؟ و واقعه یا ترکیب حوادثی که در آن (روایت آفرینش) اتفاق افتاده است (دون Dūn) به «ردپایی» از مطلق (شون šūn) در این لحظه تاریخی (دوره سیدبراکه) تعبیر شده است:

یاران چند چندن؟ سر طهر یار چیشن چند چندن...
«یاران چگونه است؟ سر طهر یار (خداوند) چگونه است و چه مقدار است؟» (سورانی، ۱۳۸۶: ۲۰۴).

واقعۀ شهادت در گفتمانی بیان می‌شود که با ارجاع خود ادعا می‌کند که از این خصوصیت برخوردار است. مهم است که بدانیم هیچ فرد یا جامعه‌ای بدون سنت نمادین موجود که بتواند معنای این آمیختگی را با آن بیان کند به لحظه‌ای نمی‌رسد

که در آن رویداد و معنا به شهادت می آید:

... مُیسِرْ نِمُوو ای «مِن» و «تَوَه» شادتی مردان شون «شعر گووه»...

«این [گواهی دادن و خطاب الهی] من [بودم] و تو [بودم] این گونه میسر نمی شود بلکه شهادت و گواهی دادن [الهی / حقیقت] که مردان [حق بر زبان جاری می کنند] **جایگاه شعر گویان** (واصلان به حقیقت / الهی) است...» (سورانی، ۱۳۸۶: ۱۷۹).

درواقع ممکن است بگوییم که حتی در دوره تولید اسناد کتاب مقدس، پیوند زنده رویداد و معنا به طور مکرر از بین می رود. سپس رویداد و معنا باید از طریق توسل به معانی میانجی (ثبت دفاتر مقدس) دوباره به هم متصل شوند: دفترم ثبتن تحویل و معانی شون هزارم کی بو بزانی... «دفترم [همراه] با تحویل و معانی آن ثبت است. تا چه کسی باشد که ردی را که من از خود به جا گذاشتم [دنبال کند] (همان: ۱۶۰).

«همیشه می توان رابطه معنا و رویداد را با معنای دیگری که نقش تفسیر را با توجه به رابطه آنها ایفا می کند، واسطه کرد» (Ricoeur, 1979. below: pp.110ff.). این روایت فلسفی، آرام، شور و اشتیاق خود را که کتاب مقدس با آن به فرایند تفسیر شهادت می دهد، به خوبی بیان می کند. قضاوت در مورد این سؤال که خدا کیست؟ در کتاب مقدس اغلب به شکل یک محاکمه بلاغی (درون متنی) است که در آن پیامبر از شاهدان واقعی دعوت می کند که پیش بیایند:

نام نیشانسش ها و دوئه وه دونی یک شادت ها و شون وه
«نام و نشان [خداوند بستگی به اقرار و گواهی دادن] در ادوار زمانی [مختلف] دارد [که] در هر دوره گواهی و شهادتی [برای حقیقت / خداوند] به دنبال دارد (سورانی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

ریکور به اشعیا ۴۳:۸-۱۳ علاقه خاصی دارد: گواهان خود را بیاورند تا آنها را توجیه کنند و بشنوند و بگویند این درست است. خداوند می گوید: «شما شاهدان من هستید، و آنها را بندگان من که برگزیده ام، تا مرا بشناسید و ایمان بیاورید و بفهمید که من او هستم» (b-10a9).

در تمام این موارد، کتاب مقدس **استعاره‌هایی** از فرایندی می سازد که توسط آن متن

مقدس خود شکل می‌گیرد. «فرایند استعاری، فرایندی است که توسط آن، تولید خاص انگاره‌ها به سمت شاکله‌مندی همگونی گزاره‌ای سوق داده می‌شود و میان فاصله‌های منطقی و تفاوت‌ها، شباهت ایجاد می‌نماید» (برکاتی، ۱۳۹۴: ۵). متون مقدس گوران با تأکید بر سنت‌های مختلف شهادت که در تاریخ ادواری اهل حق ترسیم گردیده است (هشت دوره)^۱ و در متن مقدس (دیوان گوره Divān-a-gowra)^۲، بیان می‌شود، حماسه خاوند کار xāven-kār (خداوند) را در عمل تأسیس رسمی آن، در دوره ششم (پردیور Perd-i-var)^۳ شکل می‌بخشد:

یہ نوبہء نگین پیادہ سوارن گئی داران خلات خاوند کارن...

«اینک زمان پادشاهی [خداوند] است. پیاده [امروز] سواره است. چشم انتظاران [حقیقت] مزدگانی دهید که خاوند کار است» (سورانی، ۱۳۸۶: ۹۱).

کار الهیاتی که برای انجام این امر لازم است، خود یک فرایند تاریخی است که «معنای تاریخی تلقی سنت‌های پایه‌گذار را روشن می‌کند» (کوزنزهوی، ۱۳۷۱: ۲۱۸). در واقع این آثار الهیاتی به شیوه خود شامل آگاهی انتقادی خاصی هستند. دفاتر مقدس «چهل تن» به عنوان منابعی الهیاتی، همان‌طور که ریکور به ما آموخت، در کنار هم قرار می‌گیرند، شکاف‌ها حفظ می‌شوند و تضادها آشکار می‌گردند. سنت خود را از طریق سرریزی و پُری زبان (متون مقدس شکل گرفته) تصحیح می‌کند، و این پُری زبان خود یک دیالکتیک الهیاتی را تشکیل می‌دهند که دفاتر (کلام مقدس) جمع «چهل تن سیدبراکه» در فضای حاصل از آن شکل می‌گیرد. مطالعات فرسنگی رویکرد به تاریخ‌گرایی که توسط فعالیت‌های فکری در دفاتر اهل حق گوران ایجاد می‌شود، مرحله تفسیر سنت است. شکل‌گیری متون مقدس در دوره سیدبراکه و ثبت آنها

۱. ۱- دوره حضرت علی ۲- دوره شاه فضل ۳- دوره شاه خوشین ۴- دوره بابائوسی ۵- دوره بابا جلیل ۶- دوره سلطان اسحاق ۷- دوره بابایادگار ۸- دوره سید براکه
۲. منظور از دیوان، متن مقدس است که به صورت شعر سروده شده است و «گوره» به معنای بزرگ و در اینجا به معنی متعالی و دارای جایگاه عظیم. (مردوخ، ۱۳۶۲: ۵۳۹ ذیل واژه گوره)
۳. پرد به معنی «پُل» و ور به معنی «خورشید» (صفری، ۱۳۳۱: ۲۶۲-۴۶) مجازاً به معنای پلی که به سرزمین نور و روشنایی منتهی می‌شود.

که تعهد و التزام خاصی در آن دیده می‌شود، همان چیزی است که جامعه مؤمنین (طایفه‌سان)^۱ گوران را ادامه می‌دهد. این رویکرد به تاریخ‌گرایی که منجر به تفسیر سنت می‌شود، در جریان پیوسته و درونی این متون شکل می‌گیرد و نمونه آن را نمی‌توان در خارج از این متون یافت. این مسئله‌ای است که در اغلب پژوهش‌های شکل‌گرفته پیرامون آیین یارسان مورد غفلت واقع شده و سبب شده است تا فرض‌های دیگر و نویدبخش‌تری از دست برود. به گفته فرای «در جایی که هدف موردنظر، به جای تاریخ، نقد کتاب مقدس باشد، آن وقت است که سعی در بیرون کشیدن بقایای تاریخی موثق از میان انبوه زائیده (موگد)‌های اسطوره‌ای، سعی باطلی است» (فرای، ۱۳۸۸: ۷۳). بنابراین می‌توانیم فرایند انتقادی (نقد ادبی) را به سنت‌های اهل حق گوران پیوند بزنیم که از طریق آن، آن سنت به‌عنوان گواهی زنده‌ای که دفاتر مقدس گوران را تولید می‌کند، دوباره تفسیر می‌شود و در آن «دفترهای چهل‌تن» به‌نوبه خود در «تکیه حیدری» (سیدبراکه) به تفسیر متن مقدس از پیش شکل‌گرفته (دیوان گوره) منجر می‌شود که خود آنها نیز اکنون به تفسیر نیاز دارند.

شرط شارزویل دلیل پیرم «دیوان گوره» مندکن و ویرم...

«شرط و پیمانی که در «شهرزور» با دلیل و پیرم (سلطان اسحاق) بستم، [سبب شد] تا دیوان گوره (کتاب مقدس) همچنان در حافظه‌ام باقی بماند» (همان: ۱۷۵).

۴-۳. تبیین انتقادی و مفهوم وحی

فاصله تاریخی متفاوتی بین ما و وقایعی که شهادت‌های اولیه براساس آن استوار شده است وجود دارد. ریکور در تفسیر خود مبنی بر اینکه امروزه درک کتاب مقدس «بازآفرینی فعالیت فکری ناشی از این ایمان تاریخی» است، تأکید می‌کند. (Ricoeur, 1986: p.45). در دفاتر مقدس گوران این بازآفرینی ایمان تاریخی با عباراتی چون «قباله قدیم»، «قباله باطن»، «حکم باطن»، «کارخانه قدیم» و ... اشاره شده است:

قباله‌ی قدیم تازه بی ژنُو
بُرُوز گِرْد نَه خَاک قَابِی دَالْهُو...

«قباله و سندی قدیمی دوباره تازه شد و در خاک و سرزمین مقدس دالاهو آشکار و ظاهر گشت (همان: ۶۴).

۱. انتسابی به گروه و مردمان اهل حق (صفری، ۱۳۷۸: ۱۵۹) ذیل واژه «طایفه»

دفتران بستیم طلسم دُکان دفتران بستیم

تاریخ تازه و آوات وستیم یوسه قاپی قفل یاری شکستیم...

«دفتران را بستیم و آماده کردیم. طلسم این گنجینه و دکان دفتران را مهیا کردیم (ارزش وجودی متون مقدس) و تاریخ تازه‌ای را در آرزوی دوستداران حقیقت به وجود آوردیم و این گونه قفل درگاه بسته حقیقت را گشودیم...» (همان: ۷۲)

اینکه چگونه کتاب مقدس در گونه‌های مختلف ادبی خود شاهد است؟ و آیا نبوت مانند روایت عمل می‌کند؟ آیا گفتار حکیمانه مانند سرود یا داستان معجزه یا مثل، شهادت می‌دهد؟ و آیا مسئله‌ای که در محاکمه حقیقت برای ما مطرح می‌شود، با ادعاهای کتاب مقدس تا حدی روبه‌رو می‌شویم که با طرح‌واره‌هایی از معنای «وحی» برگرفته از فرهنگمان آگاه شویم؟ **رویه پدیدار-شناختی اندیشیدن به ادعاهای واقعیت‌های بیگانه** در اینجا قابل لمس است.

لازمه درک این موضوع، به شناسایی گفتمان‌های مختلف در متون مقدس گوران آن گونه که ریکور برایمان ترسیم می‌کند نیاز دارد که در اینجا به‌طور خلاصه با شاهدمثالی از متن مقدس آنها را معرفی می‌کنیم.

۴-۳-۱. گفتمان نبوی

گفتمان نبوی، محور اصلی در ایده وحی به‌شمار می‌رود. در واقع این گفتمانی است که خود را به نام بیان می‌کند. در اینجا هسته اصلی ایده وحی با ایده یک نویسنده دوگانه گفتار و نوشتار یکی می‌شود. وحی گفتار دیگری است که پشت سخنان پیامبر است:

آمان صد آمان یا شا و توْمَن تا کسی من مَحْبوس سر مَگومَن
- «آرهی بی مُهلت گور دل جه سنگ شِکاوای پَیریم کارخانه فرنگ...
بفروش نی بلوک بندِ کوپسا اقراریم گردن ماوروش و جا...»

نوروز می‌فرماید: «خداوندا به تو پناه می‌برم. تا کی من باید محبوس اسرار پنهانی تو باشم و آن را در دلم حفظ کنم؟» خداوند می‌فرماید: «ای کسی که صبر و قرار نداری و دلت را چون گوری از سنگ سخت خزانه اسرار من کردی، [تو اکنون با کالای کلامت] کارخانه زیبای فرنگ را برای من شکافتی و آشکار کردی... کالای پرمعنی و دقیق کلامت را در سرزمین دالاهو به همگان ارزانی کن. آشکارا حقیقت را بیان کردم و تو با کلامت

آن را به جا می آوری...» (سورانی، ۱۳۸۶: ۴۵-۴۴).

ریکور می گوید: «ادبیاتی که متعاقباً به تنه نبوی پیوند زده شد، «آخرالزمان» نامیده می شود. بدین ترتیب، ایده وحی تمایل دارد با ایده پیشگویی پایان تاریخ یکی شود. «آخرین روزها» راز الهی است که آخرالزمان با آرزوها، رؤیاهای، جابه جایی نمادین نوشته های پیشین و غیره آن را اعلام می کند. به این ترتیب، مفهوم وعده الهی به ابعاد یک پیشگویی که در آخرالزمان اعمال می شود، کاهش می یابد» (Mudge, 1981: p.46).

۴-۳-۲. گفتمان روایی

«همانندی ساختاری عملکرد روایی و نیز اقتضای حقیقت هر دو به هدف غایی واحدی راه می برند که زمان مند بودن تجربه بشری است» (ریکور، ۱۳۹۸: ۲۹). آنچه در مورد گفتمان روایی ضروری است، تأکید بر رویداد یا رویدادهای پایه گذاری به عنوان نقش، نشانه یا اثری از فعل خداوند است. **اعتراف از طریق روایت** صورت می گیرد و مشکل الهام به هیچ وجه موضوع اصلی نیست. نشان خداوند پیش از اینکه در گفتار باشد در تاریخ است. وقایع پیرامون امر مقدس تاریخی پیدا کردند زیرا دارای ویژگی دو گانه ای هستند که هم تشکیل یک جامعه و هم نجات آن از یک خطر بزرگ است که علاوه بر این، ممکن است اشکال مختلفی داشته باشد. در چنین مواردی، سخن گفتن از وحی به این معناست که وقایع مورد بحث را در ارتباط با جریان عادی تاریخ، متعالی می دانیم (Ibid, 1981: p.23).

کل ایمان جامعه یارسان در اعتراف به خصلت متعالی چنین رویدادهای هسته ای و تأسیسی در اینجا گره خورده است:

اول پردیور را گهء یاهومن سر و آستانهء سلطان شاهومن...

«ابتدا [به] پردیور [رفتم] که راه رسیدن به خداوندم است [در آن جا] سر بر آستانه سلطان اسحاق [که در کوه] شاهو است، نهادم (سورانی، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

در اینجا ایده وحی تمایل دارد که با ایده طرح خدا یکی شود، ایده برنامه ای که خداوند برای بندگان و پیامبرانش نقاب را آشکار کرده است.

۴-۳-۳. گفتمان تجویزی

ریکور در رابطه با گفتمان تجویزی می گوید: «به طور کلی ممکن است این جنبه از وحی را

بعد عملی آن بنامیم (شریعت) که با عبارت نمادین «اراده خدا» مطابقت دارد. در اینجا از طرحی صحبت می‌کنیم که اندیشه ممکن است نتواند درباره آن حدس بزند بلکه به این معنا است که باید در عمل اجرا شود» (Ibid, 1981: p.51).

در متون مقدس گوران این بخش به شکل خاصی مورد توجه قرار گرفته است و بدان تأکید می‌شود. توجه به مواردی چون اجرای موسیقی مقدس در جم‌خانه‌ها به مناسبت‌های مختلف، برپایی مراسم جم همراه با ادا کردن نذر و قربانی و قوانین خاص اجرایی آن و ... همگی به این بعد عملی وحی اشاره دارد:

یاران یک فکری پادشام دیم نه بین بنای یک فکری
طلب کرد یاران چهار خواجای بگری مردان خلاتن پی ذات و ذکری
ویش بی و سرمشق چهلاننه و چهلتن بنا کرد و بزم چپ یاری ژن...

«یاران یک فکری... یاران پادشاهم (خداوند) را در تدبیر دیدم. خداوند چهار ملک را طلبید و به آنها گفت که ای مردان بخششی برای ذکر ذات خداوند در پیش است. خودش سرمشق و الگوی چهل تن و چهلاننه گردید و بزم شادی [موسیقی مقدس] را به همراه کوبیدن دست بنا کرد» (همان: ۲۰).

اگر همچنان از وحی به عنوان امری تاریخی صحبت کنیم، نه تنها به این معناست که ردپای خدا را می‌توان در وقایع پایه گذاری گذشته یا در نتیجه گیری آینده تاریخ خواند بلکه به این معناست که تاریخچه اقدامات عملی ما را جهت می‌دهد و پویایی نهادهای ما را ایجاد می‌کند.

۴-۳-۴. گفتمان حکمت

ریکور در این باره می‌گوید: «این بعد از وحی نیز در ویژگی آن شناخته می‌شود. خرد یکی از کارکردهای اساسی دین را سامان می‌دهد که عبارت است از پیوند دادن اخلاق و کیهان، حوزه عمل انسان و حوزه جهان. اندرزه‌های حکمت، مرزهایی را نادیده می‌گیرند که در آن هر قانون مناسب برای یک قوم متوقف می‌شود، حتی اگر مردم منتخب باشند. تصادفی نیست که بیش از یک حکیم در سنت کتاب مقدس یهودی نبود. حکمت، هر شخص را در درون و از طریق معدود، مقصود می‌کند. مضامین آن همان موقعیت‌های محدودی است که کارل یاسپرس از آنها صحبت می‌کند، آن موقعیت‌ها - از جمله تنهایی،

تقصیر، رنج و مرگ - که در آن بدبختی و عظمت انسان‌ها با هم روبه‌رو می‌شوند»
(ibid, 1981: p.53).

در متن مقدس نوروز سورانی این مفهوم این گونه بیان می‌شود:

شوْله شوق و بوی میزگانی یاران بیسن و دَوای درد بیماران
چَمه رای حکیم حُکم لقمانی ارسطو آسا زخم درمانی...

«شعله اشتیاق و بوی خوشی که [از جانب خداوند] به یاران مژدگانی داده شد سبب شد تا درد بیماران (طالبان حقیقت) شفا بیابد. [به همین دلیل] چشم‌انتظار حکیم و حکم لقمانی [او بودند تا] چون ارسطو [این] زخم [هجر و دوری از حقیقت] را درمان کنند» (همان: ۸۵). این کار را نه با نشان دادن اینکه این پیوند در چیزها داده شده‌است، و نه با درخواست اینکه از طریق عمل ما ایجاد شود، انجام نمی‌دهد بلکه در همان نقطه ناهماهنگی به اخلاق و کیهان می‌پیوندد: در رنج و به‌طور دقیق‌تر، در رنج ناعادلانه. خرد به ما نمی‌آموزد که چگونه از رنج پرهیزیم یا به‌طرز جادویی آن را انکار کنیم بلکه به ما می‌آموزد که چگونه تحمل کنیم، چگونه رنج بکشیم و با تولید کیفیت فعال رنج، رنج را در یک زمینه معنادار قرار می‌دهد:

... دَفرم ثبتن تحویل و معانی شون هَزارم کی بو بزانی
مگر صرافای دیده دار دُور زوئخ زام ورده ایش نیش جور

«دفتر کلام من همراه با معانی [شگفت آن] ثبت و تحویل شد، تا چه کسی ردی را که من از خود به‌جا گذاشتم دنبال کند، [آن شخص کسی نمی‌تواند باشد] مگر انسانی آگاه و بصیر که [پروده] درد و رنج و زخم خورده سختی‌ها و ناملايمات باشد» (همان: ۱۶۰).

«وحی به پیروی از خط حکمت، هدف آن افق معنایی است که در آن تصویری از جهان و برداشتی از کنش در یک مفهوم جدید و فعال درمی‌آیند. عینیت حکمت همان چیزی است که ذهنیت الهام نبوی را نشان می‌دهد. به همین دلیل است که از نظر سنت، حکیم نیز مانند پیامبر از خداوند الهام می‌گیرد. به همین دلیل ما می‌توانیم بفهمیم که چگونه نبوت و حکمت می‌توانند در ادبیات آخرالزمانی، همان‌طور که می‌دانیم، مفهوم مکاشفه اسرار الهی در «آخرین روزها» به کار می‌رود، هم‌گرا شوند. اما آمیختگی به هیچ‌وجه شیوه‌های گفتمان دینی - و جنبه‌های وحی که با آنها مطابقت دارد - از متمایز ماندن یا کنار

هم نگه داشتن تنها با یک قیاس ناب منع نمی‌کند» (Ibid, 1981: p.53).

۴-۳-۵. گفتمان سرود

به عقیده ریکور: «شیوه‌های گفتمان کتاب مقدس بدون گفتن چیزی در مورد ژانر تغزل که بهترین نمونه توسط این متون است، پایان نمی‌پذیرد. سرودهای مدح، دعا و شکر سه گونه اصلی آن را تشکیل می‌دهند. اینها اشکال حاشیه‌ای گفتمان دینی نیستند. ستایش دستاوردهای شگرف خداوند در طبیعت و تاریخ، حرکتی قلبی نیست که به ژانر روایی افزوده شود، بدون اینکه در هسته آن تأثیری داشته باشد. در واقع سرود، داستان را بالا می‌برد و آن را به یک فراخوان تبدیل می‌کند. از این نظر، بازگویی داستان، یکی از جنبه‌های جشن است. بدون قلبی که جلال خدا را می‌خواند، شاید داستان آفرینش و قطعاً داستان رستگاری را نداشتیم. آیا بدون ادعیه در متون مقدس در مورد رنج، آیا دعای صالحان نیز راه دعا را می‌یابد» (Ibid, 1981: p.54-55).

کلام نوروز سورانی به ما نشان می‌دهد که چگونه به دستور حکمت، علم چگونگی رنج بر غزلیات دعا پیشی می‌گیرد، همان‌گونه که روایت از غزل مدح پیشی می‌گیرد. این حرکت به سوی شخص دوم در ترجیعات خاصی از شکرگزاری تحقق می‌یابد؛ جایی که روح متعالی از کسی تشکر می‌کند. دعا وقتی به بالاترین خلوص و بی‌غرض‌ترین بیان خود می‌رسد، آن‌گاه که دعا، بدون بار هر خواسته‌ای، به شناخت تبدیل شود. بنابراین در زیر سه صورت حمد، دعا و شکر گفتار انسان تبدیل به دعا می‌شود. خطاب به خدا به صورت دوم شخص است، بدون اینکه خود را محدود کند که او را در روایت سوم شخص قرار دهد یا در نبوت به نام او به زبان اول شخص صحبت کند. در ابتدای تمام نسخ خطی به‌جا مانده از دفتر نوروز سورانی، این عبارت دیده می‌شود: «جام جم زبور حقیقت، آرمای (گفته) نوروز» که به نظر می‌رسد با توجه به کلام خود نوروز و اهمیتی که بدان قایل است این انتساب در نامگذاری دفترش برگزیده شده است:

مُهرش کَرْدَوَه وَ صبر امور شِکاوِش وَ اِسْم آوازَه زَبور
نُوگُن نوروز جزیره وَ شَطِم کارخانه زبور بخشا شو کتم...

«با صبر کارها را پیش برد [و کتاب مقدس را بر من بخشید و به نام من] مهر کرد و با نام

و شهرت زبور [داود، اسرار آن را] بر من آشکار کرد. [دریای معرفت الهی] جزیره وجود مرا دربر گرفت و کارخانه [پربرکت] زبور به من شوکت و بزرگی [در نزد پروردگار] عطا کرد ... (همان، ۱۳۸۶: ۶۱).

اگر بخواهیم بگویم زبور به چه معنا نازل شده است؛ قطعاً به این معنا نیست که ستایش، دعا و شکر آن توسط خداوند در زبان نویسندگان متفاوت آنها قرار گرفته است بلکه به این معناست که احساسات بیان شده در آن توسط هدف آنها شکل می‌گیرد و با آنها مطابقت دارد. شکرگزاری، تضرع و جشن، همه ناشی از آن چیزی است که این حرکات قلب اجازه می‌دهد وجود داشته باشد و به این ترتیب رنج را به دانستن چگونگی رنج تبدیل می‌کند بنابراین به نوعی به موضوع کتاب زبور تبدیل می‌شود. کلمه، احساس ما را در فرایند بیان آن شکل می‌دهد و مکاشفه همان شکل‌گیری احساسات ما است که از شیوه‌های روزمره و معمولی آنها فراتر می‌رود.

۵. نتیجه‌گیری

پدیدارشناسی هرمنوتیک پُل ریکور در مطالعه عمیق اشکال مختلف ادبی کتاب مقدس به ما می‌آموزد که وحی، مفهومی واحد و محدود به یک گفتمان نیست بلکه شامل گفتمان‌های متعددی است. در تفسیر کتاب مقدس، ما باید «به آن شیوه‌های گفتمانی که در زبان یک جامعه ایمانی، بدیع‌ترین هستند، بدون خنثی کردن تنوع، به منظور استخراج محتوای الهیاتی، نزدیک شویم» (Ricoeur, 1977: p.90). هر شکلی از گفتمان شامل یک اعتراف ایمانی (شهادت) خاص است که خدا را به شیوه‌ای اصیل نام می‌برد. آنچه شهادت است با شکل گفتاری که در آن بیان می‌شود تعدیل می‌شود. از این رو استفاده از مطالعه انتقادی برای بازیابی قدرت و حیاتی شهادت، موضوعی است که توجه دقیقی به نحوه عملکرد ژانرهای مختلف در متن مقدس دارد. «تنها با اندیشیدن به اصول هرمنوتیک متن کلی نسبت به متون کتاب مقدس و به کاربرد آنها در متون کتاب مقدس می‌توان اجازه داد که ویژگی واقعی کتاب مقدس به منصف ظهور برسد» (Burggraeve, 2004: p.49). متن مقدس نوروز سورانی و سایر متون مقدس شکل گرفته در جمع چهل تنی سیدبراکه، در امتداد یک سنت الاهیاتی که به شیوه فرهنگ شفاهی تداوم یافته است و با تأکید بر ثبت

نوشتاری خود - علی‌رغم نظریاتی که این آیین را مسلکی باطنی و پنهانی معرفی می‌کنند - برگرفته از یک آگاهی انتقادی است که حفظ این سنت معنوی را با تأکید مکرر بر «خواندن» متن الزامی می‌داند. روایات، حکایات، تمثیل‌ها، عبارات حکیمانه و سرودها در متن مقدس (دفتر) نوروز سورانی به‌عنوان یک اعتراف ایمانی (شهادت) سبب شکل‌گیری گفتمان‌های متعددی گردیده است که شناسایی آنها فهم تازه‌ای از مقوله «وحی» به ما می‌دهد. این مهم سبب می‌شود تا متن مقدس از تفسیرهای ذهنی‌ساز وابسته به فرهنگ بومی در محدود کردن آن به یک گفتمان (نبوی) و نیز تفسیرهای بنیادگرایانه دیگر رها شود و به‌عنوان یک فرهنگ معنوی که کماکان تاریخ و هویت خود را در جهان مدرن امروز حفظ کرده‌است، مورد استناد و استفاده قرار بگیرد.

فهرست منابع فارسی:

آزادی، محمدعلی. (۱۳۷۷)، آشنایی با عقاید و آداب و رسوم دینی اهل حق در استان کرمانشاه، کرمانشاه: دانشگاه رازی.

حسنی، سید حمیدرضا. (۱۳۸۹)، عوامل فهم متن، چاپ اول، تهران: هرمس.

ریکور، پل. (۱۳۹۶)، زندگی در دنیای متن، ترجمه بابک احمدی، تهران: نشر مرکز.

ریکور، پل. (۱۳۹۷)، تاریخ و هرمنوتیک، ترجمه مهدی فیضی، تهران: نشر مرکز.

ریکور، پل. (۱۳۹۸)، زمان و حکایت، ترجمه مهشید نونهالی، جلد اول، تهران: پردیس دانش.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹) جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.

سورانی، نوروز (۱۳۸۶)، دفتر نوروز سورانی، به کوشش سید فریدون دانشور، چاپ دوم، تهران: دالاهو.

سیمز، کارل. (۱۴۰۰)، پل ریکور، ترجمه محمدحسین خسروی، تهران: کرگدن.

شکری محمد. (۱۳۹۶)، پل ریکور و هرمنوتیک روایی: رهیافتی به هرمنوتیک انتقادی، تهران: نگارستان اندیشه.

صفری، حیدر. (۱۳۷۸) واژه‌نامه دالاهو، کرمانشاه: چاپ کاشفی

فرای، نورتروپ. (۱۳۸۸) رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات، ترجمه صالح حسینی، تهران: نیلوفر.

کاکس، جیمز ال. (۱۳۹۷) پدیدارشناسی دین، ترجمه جعفر فلاحی، تهران: نشر مرکز.

کانرتون، پل. (۱۳۹۹) جامعه‌شناسی انتقادی، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ سوم، تهران: اختران.

کوزنزهوی، دیوید. (۱۳۷۱) حلقه انتقادی، ترجمه مراد فرهادپور، چاپ اول، تهران: گیل.

مرادی، محمدرضا. (۱۳۷۶) بررسی تاریخ و تحولات آرای اهل حق و ارتباط آن با ادیان پیش از اسلام، تهران: دانشگاه تهران.

مردوخ، محمد. (۱۳۶۲) فرهنگ مردوخ، سنندج: غریقی.
مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۸۸) دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگاه.

مقالات:

امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ ویسی، سارا. (۱۳۹۴)، اهل حق (پارسان) مطالعه مردم‌شناسانه گروهی از شیعیان عالی استان کرمانشاه، مجله شیعه‌شناسی، صص ۱۰۳-۱۳۴.

اوحدی حائری، پروین دخت؛ جودکی، محمدعلی. (۱۳۹۴)، نمادشناسی فرقه اهل حق با تأکید بر سروده‌های نامه سرانجام، پژوهشنامه ادیان، صص ۲۵-۵۳.

برکاتی، سیده اکرم؛ شاقول، یوسف؛ صافیان؛ محمدجواد. (۱۳۹۹). «بررسی نقش فهم در پیوند پدیدارشناسی و هرمنوتیک در تفکر هیدگر و ریکور»، دوفصلنامه فلسفی شناخت «ص ۸۱-۵۹»، پژوهشنامه علوم انسانی: شماره ۸۲/۱.

برکاتی، سیده اکرم؛ علمی سولا، محمد کاظم. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه مفهوم نماد و استعاره در اندیشه ریکور»، فلسفه، سال ۴۳، شماره ۲.

بهشتی، محمدرضا؛ داوری، زهرا. (۱۳۸۸)، «متن: نقطه تلاقی هرمنوتیک فلسفی و نظریه ادبی (هرمنوتیک پدیدارشناسانه هانس-گئورگ گادامر، پل ریکور و نظریه ادبی جدید)»، نقد ادبی، سال ۲، شماره ۶.

تقوی کوتنائی، علیرضا؛ حق‌جو، سیاوش؛ بالو، فرزاد؛ باقری خلیلی، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). «از قوس هرمنوتیکی ریکور تا نوبت‌های سه‌گانه تأویلی در اندیشه و آثار عین‌القضات همدانی»، دوفصلنامه علمی ادبیات عرفانی، دانشگاه الزهرا (س)، سال دوازدهم، شماره ۲۳.

رحیمی، مه‌ری؛ آذر، امیراسماعیل. (۱۳۹۵)، کتابشناسی فرقه اهل حق «پارسان»، مجله عرفان اسلامی، شماره ۴۹، صص ۱۱۹-۱۳۸.

منظمی، اردشیر. (۱۴۰۰). «بازخوانی دین‌بودگی پارسان»، پژوهش‌های ادیان، سال نهم، شماره هجدهم.

فهرست منابع لاتین:

- Ricoeur, Paul. (1980) "Toward a Narrative Theology: Its Necessity, Its Resources, Its Difficulties," Figuring the Sacred.
Ricoeur, Paul. (1971) Esquisse de conclusion, in X. Leon-Dufour, Exégèse et herméneutique, Parijs.

- Ricoeur, Paul.(1985) "The Text as a Dynamic Identity," *Identity of the Literary Text*, ed. M.J. Valdes and O. Miller (Toronto: University of Toronto Press,) 175-186.
- Ricoeur, Paul.(1998) *Critique and Conviction. Conversations with François Azouvi and Marc De Launay* (New York: Columbia University Press,) 139.
- Ricoeur, Paul.(1980) "Herméneutique. Les finalités de l'exégèse biblique,"
- Ricoeur, Paul. (1980)"On the Exegesis of Genesis 1:1-2:4a," *Figuring the Sacred*.
- Ricoeur, Paul.(1981)"Hermeneutics and the human sciences: Essays on language, action and interpretation
- Ricoeur, Paul. (1995)"Naming God," *Figuring the Sacred*, 217-235.
- Ricoeur, Paul. (1995) "Philosophy and Religious Language," *Figuring the Sacred*, pp. 35-47.
- Ricoeur, Paul. (1976) *Interpretation Theory*, passim.
- Ricoeur, Paul.(1979)"The I-ermeneutics of Testimony,"
- Ricoeur, Paul.(1986)"Structure and Hermeneutics," in *The Conflict of Interpretations*.
- Ricoeur, Paul. (1977)"Toward a Hermeneutic of the Idea of Revelation,".
- Ricoeur, Paul.(1980) *Toward a Narrative Theology. Its Necessity, Its Resources, Its Difficulties*
- Ricoeur, Paul. (1991) "Philosophical Hermeneutics and Biblical Hermeneutics," *From Text to Action. Essays in Hermeneutics, II* (London: Athlone,)
- Ricoeur, Paul.(1967) *The Symbolism of Evil*. Translated by Emerson Buchanan. Boston: Beacon Press
- M. I. Wallace,(1995) "Introduction," P. Ricoeur, *Figuring the Sacred. Religion, Narrative and Imagination* (Minneapolis: Fortress Press,) 23.
- Schwartz, Sanford.(1983) "Hermeneutics and the Productive Imagination: Paul Ricoeur in the 1970s." *The Journal of Religion* 63 (1983): 290-300. Print.
- L.S. Mudge, (1981) *Paul Ricoeur on Biblical Interpretation*, 23.
- F. X. Amherdt,(2004) *L'herméneutique philosophique de Paul Ricoeur et son importance pour l'exégèse biblique en débat avec le new Yale school* (Paris: Éditions du Cerf)
- Van Manen, M. (1990) *Researching Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy*. London, Ontario: Althouse Press.
- Bobb Cătălin Vasile.(2011) "from the problem of "Evil" to interpretation. "Hermeneutic Phenomenology" as a method for understanding the religious discourse" *Journal for the Study of Religions and Ideologies*, vol. 10, issue 30 (Winter 2011): 299-317
- Moyaert Marianne,(2012)" Paul Ricoeur on Biblical Hermeneutics", *From Soteriological Openness to Hermeneutical Openness: Recent Developments in the Theology of Religions*, in *Modern Theology* 28 (2012) 35-52.

References

- Azadi, M. (1378) Acquaintance with the beliefs and customs of Ahl al-Haq, Master's thesis, Department of Religions and Mysticism, Shahr-e Rey Azad University
- Barakati, A. & others (2020) "Investigation of the role of understanding in the connection between phenomenology and hermeneutics in Heidegger and Ricoeur's thinking" two quarterly journals of the philosophy of cognition "59-81", Journal of Humanities: No. 82/1
- Barakati, A. & others (2015) "Investigating the relationship between the concept of symbol and metaphor in Ricoeur's thought", Philosophy, year 43, number 2
- Beheshti, M. & others (2009), "Text: the intersection point of philosophical hermeneutics and literary theory (phenomenological hermeneutics of Hans-Georg Gadamer, Paul Ricoeur and new literary theory)", Literary Review, Vol 2, N. 6
- Connerton, P. (2019) Critical Sociology, translated by Hassan Chavoshian, (3), Akhtaran.
- Cox, J.L. (2018) A Guide to The Phenomenology of Religion, translated by Jafar Fallahi, Tehran: Markaz.
- Fry, N. (2009) The Great Code: The Bible and Literature, translated by Saleh Hosseini, Tehran, Nilofar.
- Hasani, S.H (2010), Factors of understanding the text, first edition, Tehran: Hermes Publications.
- Imam Jumazadeh, Seyyed Javad & Veysi, S. (2015), Ahle Haq (Yarsan), an anthropological study of a group of Ghali Shiites in Kermanshah Province, Shia Journal, pp. 103-134
- Kotenaee, A. & others (2021) "From Ricoeur's hermeneutic arc to Tripartite Interpretive Stages in the Thought and works of Ayn al-Quzat Hamadani", biannual scientific journal of mystical literature, Al-Zahra University (S), year 12, number 23.
- Kouzenzhovi, D. (1992) Critical Circle, translated by Murad Farhadpour, first edition, Tehran: Gil.
- Makaryk, I.R. (2009) Encyclopaedia of Contemporary Literary Theories, translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabovi, Tehran, Aghah
- Mardukh, M. (1983) Farhang Mardukh, Sanandaj, Ghareghi.
- Monazzami, A. (2022) "Rereading the religion of Yarsan", Religious Studies, Vol.9, No.18.
- Moradi, M. (1997) Studying the history and developments of Ahl al-Haq opinion and its relationship with pre-Islamic religions, Tehran: University of Tehran.

- Ohadi Haeri, P.& Jodki, M. (2015), Symbology of the Ahl al-Haq Sect with an Emphasis on the Poems of the Last Name, Adian Research Paper, pp. 53-25.
- Rahimi, M.& Azar, A. (2016), Bibliography of Ahl Haq Sect "Yarsan", Islamic Mysticism Magazine, No. 49, pp. 119-138.
- Ricoeur, Paul. (2016), *La vie dans le monde du texte*, translated by Babak Ahmadi, Tehran:Markaz
- Ricoeur, Paul. (2019), *Temps et Recit*, translated by Mahshid Nownahali, (1), Tehran: Pardis Danesh.
- Ricoeur, Paul. (2018), *History and Hermeneutics*, translated by Mehdi Faizi, Tehran: Markaz
- Safari, H. (1999) *Dictionary of Dalahu*, Kermanshah, Kashefi.
- Shokri .M (2016), *Ricoeur Paul- Criticism and interpretation*: Tehran: Nagaristan Andisheh.
- Sims, C.(2021), *Paul Ricoeur*, translated by Mohammad Hossein Khosravi, Tehran: Kargadan.
- Surani, Nowruz (2007), *Surani's Nowruz book*, by the efforts of Seyed Fereydoun Daneshvar, (2), Tehran, Dalaho.
- ZarinKoob,A. (1990) *A Search in Iranian Sufism*, Tehran: Amir Kabir.

References In English

- Bobb Cătălin Vasile.(2011) "from the problem of "Evil" to interpretation. "Hermeneutic Phenomenology" as a method for understanding the religious discourse" *Journal for the Study of Religions and Ideologies*, vol. 10, issue 30 (Winter 2011): 299-317
- F. X. Amherdt,(2004) *L'herméneutique philosophique de Paul Ricoeur et son importance pour l'exégèse biblique en débat avec le new Yale school* (Paris: Éditions du Cerf)L.S. Mudge, (1981) *Paul Ricoeur on Biblical Interpretation*, 23.
- M. I. Wallace,(1995) "Introduction," P. Ricoeur, *Figuring the Sacred. Religion, Narrative and Imagination* (Minneapolis: Fortress Press,) 23.
- Moyaert Marianne,(2012)" Paul Ricoeur on Biblical Hermeneutics", *From Soteriological Openness to Hermeneutical Openness: Recent Developments in the Theology of Religions*, in *Modern Theology* 28 (2012) 35-52.
- Ricoeur, Paul. (1980)"*Toward a Narrative Theology: Its Necessity, Its Resources, Its Difficulties*," *Figuring the Sacred*.
- Ricoeur, Paul. ,(1971)*Esquisse de conclusion*, in X. Leon-Dufour, *Exégèse et herméneutique*, Parijs.

- Ricoeur, Paul ,(1985) "The Text as a Dynamic Identity," Identity of the Literary Text, ed. M.J. Valdes and O. Miller (Toronto: University of Toronto Press,) 175-186.
- Ricoeur, Paul,(1998) Critique and Conviction. Conversations with François Azouvi and Marc De Launay (New York: Columbia University Press,) 139.
- Ricoeur, Paul ,(1980) "Herméneutique. Les finalités de l'exégèse biblique," Ricoeur, Paul, (1980)"On the Exegesis of Genesis 1:1-2:4a," Figuring the Sacred.
- Ricoeur, Paul,(1981)'Hermeneutics and the human sciences: Essays on language, action and interpretation
- Ricoeur, Paul, (1995)"Naming God," Figuring the Sacred, 217-235.
- Ricoeur, Paul.,(1995) "Philosophy and Religious Language," Figuring the Sacred, pp. 35-47.
- Ricoeur, Paul, (1976) Interpretation Theory, passim.
- Ricoeur, Paul,(1979)"The I-Iermeneutics of Testimony,"
- Ricoeur, Paul,(1986)"Structure and Hermeneutics," in The Conflict of Interpretations.
- Ricoeur, Paul, (1977)"Toward a Hermeneutic of the Idea of Revelation,".
- Ricoeur, Paul,(1980) Toward a Narrative Theology. Its Necessity, Its Resources, Its Difficulties
- Ricoeur, Paul, (1991) "Philosophical Hermeneutics and Biblical Hermeneutics," From Text to Action. Essays in Hermeneutics, II (London: Athlone,)
- Ricoeur, Paul ,(1967) The Symbolism of Evil. Translated by Emerson Buchanan. Boston: Beacon Press
- Schwartz, Sanford.(1983) "Hermeneutics and the Productive Imagination: Paul Ricoeur in the 1970s." The Journal of Religion 63 (1983): 290-300. Print.
- van Manen, M. (1990) Researching Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy. London, Ontario: Althouse Press.



**Examining the Concept of Revelation and Testimony in the Poetry
and Discourse of Nowruz Sorani (The Holy Texts of Goran)
Based on Paul Ricoeur's Hermeneutic Phenomenological Method¹**

Saeid Valadbeygi²
Mohammadkazem Yusofpur³
Alireza Nikouei⁴

Received: 2023/04/09
Accepted: 2023/07/05

Abstract

Entering the field of religious studies, hermeneutic phenomenology encloses the authority of the sacred texts as a normative guide with specific and defined patterns in brackets. This suspension opens up the field of non-descriptive poetic reference to the world. The events recounted in the Holy Book, regarded as historical events, now enjoy a textual existence which has **distanced** itself from its previous origins. Their current meanings are the product of their registration within a network of texts that consecutively support and displace each other in an intertextual whole. Accordingly, the Holy Book is above all a discourse that the general theory of the text recognizes as a link in a chain of communication. Paul Ricoeur, in compiling her hermeneutic arc, by emphasizing the stage of critical explanation (literary criticism), enables the transition from the initial superficial and biased interpretation to a deep reading that stands against the confrontation with objectivity. In this article, taking into account Ricoeur's views, we examine the concepts of "revelation and testimony" in Goran's holy texts; then by analyzing the poetry and discourse of "Nowruz Sorani" in this context, we try to demonstrate the objective pattern of these concepts in the sacred texts of Goran (Yarsan/Ahl-e-Haq). This suspension causes the revelation to be comprehended according to the unique features of discourses and, at the same time, through their mutual relationships. Paul Ricoeur's hermeneutic phenomenology, emphasizing the stage of critical explanation, enables the Holy Book to move away from the culturally dependent mental interpretations as well as fundamentalist interpretations and continues to be a point of reference and utilization in today's modern world.

Keywords: Hermeneutic phenomenology, Goran's holy texts, Nowruz Sorani, Paul Ricoeur, Testimony, Revelation.

1. DOI: 10.22051/jml.2023.43660.2465

2. Ph.D. student of Persian Language and Literature, Literature and Humanities Faculty, Gilan University, Rasht, Iran. (Corresponding author). saeidvaladbeygi1350@gmail.com

3. Associate Professor of Department of Persian Language and Literature, Literature and Humanities Faculty, Gilan University, Rasht, Iran. yusofpur@yahoo.com

4. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Literature and Humanities Faculty, Gilan University, Rasht, Iran. alireza_nikouei@yahoo.com

Print ISSN: 2008-9384 / Online ISSN: 2538-1997